# روزنامه شرق

رحلت حضرت رسول اکرم (ص) و شهادت امام حسن (ع) را تسلیت عرض می‌کنیم

دوشنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۰ • ۲۷ صفر ۱۴۴۳ • ۴ اکتبر ۲۰۲۱

سال نوزدهم • شماره ۴۱۱۲ • ۱۲ صفحه • ۷۰۰۰ تومان

رئیس سازمان انرژی اتمی:

## الزامی برای بودن دوربین‌های آژانس وجود ندارد

**گروه سیاست:** رئیس سازمان انرژی اتمی درباره استمرار نصب و فعالیت دوربین‌های آژانس در چارچوب برجام اظهار کرد: «دوربین‌های برجامی الزامی به بودنشان نیست و آژانس هم این مسئله را می‌داند». محمد اسلامی گفت...

صفحه ۴

مراسم تودیع محمود نیلی احمدآبادی و معارفه مقیمی برگزار شد

## دانشگاه در دست فرزندش

**گروه سیاست:** محمود نیلی احمدآبادی سی‌ودومین رئیس دانشگاه تهران که با بیش از هفت سال سکانداری ریاست این دانشگاه، رکورد طول عمر مدیریتی بر مادر دانشگاه‌های ایران را که پیش‌تر به فرهاد رهبر، رئیس اسبق دانشگاه تهران ...

صفحه ۲

# کرسنت به روایت اسناد

مروری بر اسناد ویکی‌لیکس درباره خبرسازترین پرونده نفتی ایران

**گروه اقتصاد:** ماجرای پرونده کرسنت در ایران اگر عجیب نباشد، هیچ پرونده دیگری را نمی‌شود به صفت عجیب موصوف کرد. اینکه درباره یک پرونده نفتی به نسبت کوچک این حجم از خبر به وجود آمده، فی‌نفسه عجیب است. هنوز هم معلوم نیست که در این پرونده چه کسی چه نقشی داشت؛ چون حداقل درباره یک شخص خاص جای شاکی و متهم کلا عوض شد و این اتفاقی هرروزه نیست. جزئیات ماجرا آن‌قدر ذکر شده که به آن نخواهیم پرداخت. صرفا به ذکر چند بند قابل توجه از اسناد ویکی‌لیکس خواهیم پرداخت که پیش‌ازاین نگارنده بخشی از آن را منتشر کرده بود و حالا با ادعای کنونی مبنی بر جریمه سنگین شرکت ملی نفت ایران با اضافاتی در اختیار خواننده قرار می‌گیرد. کرسنت‌پترولیوم قدیمی‌ترین شرکت خصوصی انرژی کل خاورمیانه است و در سال ۱۹۷۱ تأسیس شده. مدیرعامل آن «حمید جعفر» زاده عراق است و طبق نوشته یکی از اسناد محرمانه سفارت آمریکا پیوندهای زیادی با این کشور دارد؛ از جمله با ایاد علاوی سیاست‌مدار عراقی.

**مشروح گزارش را در صفحه ۵ بخوانید**

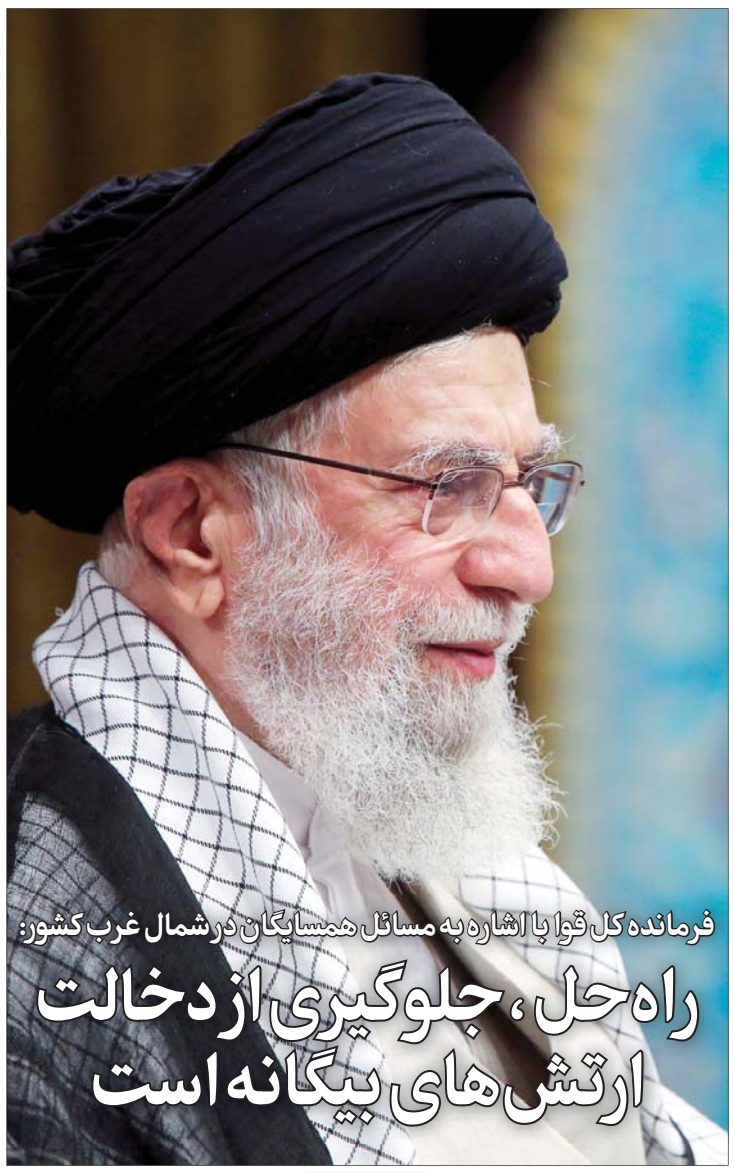

فرمانده کل قوا با اشاره به مسائل همسایگان در شمال غرب کشور:

## راه‌حل، جلوگیری از دخالت ارتش‌های بیگانه است

عکس: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری

صفحه ۲

طلسم‌شکنی حسن یزدانی با شکست‌دادن دیوید تیلور

## عالی جناب آبی‌پوش!

صفحه ۱۱

تیتر دو

## شاهین از سیستان‌وبلوچستان رفت اما...

صفحه ۱۰

تیترها

مقصر کیست؟

## اپوزیسیون‌سازی از رؤسای جمهور

صفحه ۲

## شفاف‌سازی درباره یک گزارش

صفحه ۹

## عنصر گمشده جنبش‌های ایران

گفت‌وگو با نجف‌زاده درباره فرهنگ سیاسی اپوزیسیون

صفحه ۸

## از حمید اشرف تا ابوشریف

چرا نباید چریک‌ها را تروریست دانست؟

صفحه ۴

سرمقاله

## الگوی توسعه دریا محور و امنیت ملی

کوروش احمدی . دیپلمات بازنشسته

فرزندان ما در آینده از شنیدن اینکه ذهن پدرانشان در این دوره تاریخی درگیر چه مسائل پیش پا افتاده‌ای بوده، انگشت به دهان خواهند ماند. آنها مشکل خواهند توانست باور کنند که روزی اقتصاد و امنیت ملی کشور معطل این بوده که آیا آژانس بین‌المللی انرژی اتمی محق به تعویض حافظه دوربین‌هایش در مرکز سانتریفیوژسازی کرج بوده یا خیر. یا گفته وزیر خارجه وقت مبنی بر اینکه مذاکرات هسته‌ای «به‌زودی» از سرگرفته می‌شود، به چه معنی است. آمایش سرزمین و توسعه کرانه‌های خلیج فارس و دریای عمان یکی از ده‌ها موضوعات اساسی است که در این گیر و دار تقریبا هیچ‌گاه قادر به رساندن خود به رده بالای اولویت‌های ملی نبوده و بی‌توجهی به آن یکی از موانع توسعه همه‌جانبه، متوازن و پایدار کشور است. اگرچه در چند دهه اخیر به‌طور پراکنده و در برخی اسناد رسمی الگوی توسعه دریامحور مطرح بوده، اما هیچ‌گاه اراده‌ای بر تمرکز بر این مهم شکل نگرفته است. در سال ۱۳۵۳ دولت وقت ایران شرکت مشاور فرانسوی ستیران را مأمور ارائه طرحی درباره آمایش سرزمین کرد. در این طرح که در ۱۳۵۶ تکمیل شد و به‌خاطر انقلاب مسکوت ماند، از جمله به توسعه کرانه‌های جنوب پرداخته شده و از «دادن اولویت اساسی به توسعه کرانه‌های جنوب و ایجاد بنادر و نواحی صنعتی متعدد در این کرانه‌ها»، «ایجاد یک محور ممتاز توسعه، متشکل از اهواز، بندر شاهپور بندر بوشهر، بندر عباس و چاه‌بهار» و «استقرار مجتمع‌های صنعتی بزرگ معطوف به صادرات در سواحل خلیج فارس و دریای عمان به‌خاطر آسانی دسترسی به منابع (نفت، گاز، مس، آب، مواد اولیه وارداتی، نیروی انسانی خارجی و...) و بازارهای جهانی» سخن رفته و این مجتمع‌ها و شبکه‌های ارتباطی مربوطه به سود توسعه همه مناطق جنوبی و جنوب شرقی کشور دانسته شده بود. در این مطالعه بر اهمیت استراتژیک این محور نیز تأکید شده بود. دو طرح آمایش سرزمین دیگر (نظریه پایه توسعه ملی و طرح پایه سرزمین اسلامی) نیز در دوره بعد از انقلاب تهیه شد، اما آنها نیز به جایی نرسیدند. ایران حداقل از دهه ۱۳۴۰ به‌لحاظ سطح فناوری و ارتباطات امکان این را داشته که توسعه مناطق ساحلی در جنوب را در مرکز توجه قرار دهد و اندکی از توسعه خشکی‌محور فاصله بگیرد. در آن دوره بهره‌برداری از منابع نفتی و انجام واردات و صادرات کشور از طریق دریا تهران را به ناچار متوجه توسعه این دو حوزه در خلیج فارس کرد؛ اما الگوی توسعه اقتصادی-اجتماعی همچنان خشکی‌محور و مبتنی بر توسعه مناطق مرکزی به هر قیمت باقی ماند که یکی از عوارض آن استقرار صنایع و تأسیسات آب‌بر و جمعیت در مناطق نیمه‌خشک مرکزی و تلاش برای اجرای طرح‌های عظیم انتقال آب از حواشی کشور بود؛ اما نه‌تنها مناطق مرکزی توسعه چندانی نیافت، بلکه بخش‌هایی از مناطق حاشیه نیز رو به ویرانی گذاشت. این الگوی توسعه خشکی‌محور که یکی از دلایل آن «سندروم ترس از حاشیه» و بافت خاص حاشیه است، در بُعد داخلی به یکی از عوامل تضعیف انسجام و وحدت ملی و تغذیه خرده‌فرهنگ‌ها در مناطق پیرامونی به ضرر فرهنگ ملی تبدیل شده است. این الگوی توسعه موجب عقب‌ماندگی نسبی سواحل دوهزارو ۸۵۰ کیلومتری و منطقه انحصاری اقتصادی ۱۶۵ هزار کیلومتر مربعی ایران در خلیج فارس و دریای عمان شده، تا آنجا که به گفته وزیر پیشین راه و شهرسازی سهم اقتصاد دریا در تولید ناخالص داخلی ایران تنها دو درصد است. تأثیر روند توسعه بر جمعیت در دو ساحل شمالی و جنوبی خلیج فارس مهاجرپذیری در جنوب و مهاجرفرستی در ساحل شمالی را رقم زده است. جمعیت شهرستان‌های ساحلی چهار استان ساحلی ایران (خوزستان، بوشهر، هرمزگان و سیستان و بلوچستان) از حدود ۳.۵ میلیون نفر یعنی کمتر از پنج درصد جمعیت کل کشور تجاوز نمی‌کند. درحالی‌که جمعیت در سواحل شش کشور جنوبی خلیج فارس در فاصله ۵۰ سال گذشته بین ۷ تا ۳۳ برابر افزایش یافته است؛ برای مثال، جمعیت امارات از ۳۰۰ هزار نفر در ۱۹۷۱ به بیش از ۱۰ میلیون نفر و جمعیت قطر از ۱۲۰ هزار نفر به دومیلیون‌و ۸۰۰ هزار نفر افزایش یافته است. درحال‌حاضر کل جمعیت شش کشور جنوب خلیج فارس که در مناطق ساحلی این پهنه آبی ساکن هستند (با احتساب پنج میلیون جمعیت استان شرقی عربستان و سه میلیون جمعیت مناطق دریایی عراق) به حدود ۳۳ میلیون نفر، یعنی تقریبا ۱۰ برابر جمعیت ساکن در کل کرانه‌های ایران در خلیج فارس و دریای عمان بالغ می‌شود.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

## احیای غیرضرور و خسارت‌بار!

علی فریدونی*

آقای رئیسی در معرفی کابینه به مجلس و همچنین در جریان سفر اخیرش به یاسوج، از احیای مجدد جهاد سازندگی سخن گفته است! این در حالی است که بخش کشاورزی، از زمان اداره کل فلاحت (۱۳۰۹) تا سال ۷۹ که آخرین ادغام در این بخش صورت گرفت، حداقل ۱۰ بار دچار قبض و بسط شده است! (حتی در اواخر دهه ۴۰ این وزارتخانه به چهار وزارت تقسیم شده بود!). اینکه این‌همه تحول و تطور در بخش کشاورزی نشانه اهمیت این بخش است یا بستری برای ایجاد پست‌های جدید برای نورچشمی‌ها، بر ما معلوم نیست! با تولد نهاد انقلابی جهاد سازندگی بعد از انقلاب و تماس این نهاد با روستاییان و کشاورزان، به‌تدریج درصدد انجام خدمات کشاورزی نیز برآمد؛ اما چون وظایفی در این زمینه بر عهده‌شان نبود، کم‌کم به صورت عرضی، بخشی از وظایف وزارت کشاورزی به این نهاد محول شد (گندم دیم، تأمین علوفه و مراتع عشایری و...)؛ اما چون این کار نیز با مشکلات زیادی همراه بود؛ بنابراین در سال ۶۶ به سوی انحلال وزارت کشاورزی رفتند؛ ولی خوشبختانه مجلس موافقت نکرد! اما پیگیری موضوع تا سال ۷۹ ادامه یافت تا نهایتا در دی‌ماه ۷۹ هر دو وزارت منحل و وزارت جدیدی به نام جهاد کشاورزی تشکیل شد. ای کاش رئیس جمهور دلایل ادغام دو وزارت جهاد سازندگی و کشاورزی را مطالعه و سپس از احیای جهاد سازندگی سخن می‌گفت! از دلایل اصلی ادغام؛ تفکیک وظیفه عرضی بین این دو دستگاه بود که باعث اصطکاک و سایش منابع انسانی و هدررفتن منابع مالی درخورتوجه می‌شد. این دو وزارتخانه در حالی مدعی تولی‌گری بخش کشاورزی بودند که هیچ‌کدام وظایف کامل را در اختیار نداشتند!؟ با ادغام این دو وزارتخانه، جهاد کشاورزی عملا کل وظایف بخش کشاورزی را برعهده گرفت و در منابع مالی و انسانی صرفه‌جویی درخورتوجهی صورت گرفت. ضمن اینکه دو نیروی موازی و گاهی متقابل نیز هم‌جهت شده و راندمان کار افزایش یافت. آنچه آقای رئیسی به دنبالش است، وظایف عمران و توسعه روستایی است؛ وظایفی که یک سال پس از ادغام، از وزارت جهاد کشاورزی منتزع و به وزارت راه و ترابری، نیرو، مسکن و شهرسازی و... واگذار شد. به عبارت دیگر الان وزارت جهاد کشاورزی، صرفا وظایف بخش کشاورزی و صنایع وابسته به آن را برعهده دارد و هیچ‌یک از وظایف جهاد سابق را عهده‌دار نیست. کلمه جهاد هم که باقی مانده، شاید به خاطر ملاحظاتی غیر از مسائل فنی است! اگر رئیس محترم دولت می‌خواهد جهاد سازندگی را احیا کند، باید مجددا وظایف مذکور را از وزارتخانه‌های فوق منتزع کند که البته با عوارضی همراه خواهد بود! زیرا با انجام این کار احتمال تحریک تعصبات بخشی در دستگاه‌های دیگر و بالطبع لطمه‌خوردن‌شان وجود دارد! جهاد سازندگی در سال ۵۸ برای عمران و آبادانی روستاها (به جای وزارت تعاون و امور روستاها) ایجاد و با موفقیت‌های خوبی نیز همراه بود. به طوری که براساس آمارها اکثر روستاها از نعمت آب و برق و بهداشت برخوردار شدند! اینک جای سؤال است که این جهاد سازندگی جدید می‌خواهد چه کار کند!؟ اگر هدف، اشتغال نیروهایی موسوم به جهادی‌های جدید است که آن امری علی‌حده است! اما اگر هدف از تشکیل مجدد جهاد سازندگی، جلوگیری از مهاجرت روستاییان یا بازگشت آنها از شهر است؛ به ضرس قاطع می‌توان گفت «این امر میسر نیست!؟» زیرا آنچه باعث مهاجرت روستاییان از روستا به شهرها شده بود، فقدان درآمد کافی بود. درآمدی که با ساختن جاده و حمام و مدرسه حاصل نمی‌شود! برعکس اگر به بخش کشاورزی عموما و وزارت کشاورزی خصوصا توجه شود، به نحوی که آنها بتوانند درآمد روستاییان را افزایش دهند، طبیعی است که آنها هم از روستاها نخواهند رفت (و حتی برمی‌گردند!) و جاده و حمام و مدرسه و... را نیز خودشان می‌سازند. با عنایت به مراتب فوق و نظر به وضعیت بودجه‌ای دولت ناشی از تحریم‌ها، احیای جهاد سازندگی به صلاح نبوده و حتی ممکن است باعث تعارضات جدید و مع‌الاسف دور و تسلسل شود! البته اگر هدف استفاده از نیروی جوانی دانشجویان و طلاب در ارائه خدمت به روستاییان باشد، می‌توان از طرح اردوهای عمران ملی در اوقات فراغت این نیروها و به‌ویژه در سه‌ماهه تابستان، استفاده کرده و هیچ ضرورتی به تأسیس وزارتخانه‌ای جدید با هزینه‌های سربار نیست! بنده به‌عنوان کسی که پروژه ادغام را در بزرگ‌ترین و درعین‌حال حساس‌ترین استان کشور با ۳۰ شهرستان و منطقه با موفقیت و بدون هیچ تنشی اجرا کردم، تجربه‌ام را از سر صدق و صفا تقدیم کردم. من آنچه شرط بلاغ است با تو می‌گویم/ تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال.

*** عضو هیئت علمی و رئیس اسبق سازمان جهاد کشاورزی خراسان**

یادداشت

## سد چم‌شیر و چالشی مشابه سد گتوند

مهدی زارع

سد مخزنی چم‌شیر بر روی رودخانه زهره و در ۲۰ کیلومتری جنوب شرقی شهر گچساران واقع شده است. سد از نوع بتون غلتکی، با طول تاج ۷۲۰ متر و ارتفاع ۱۵۵ متر و حجم مخزن ۱.۸ میلیارد مترمکعب در حال تکمیل است. ظرفیت تولید برق نیروگاه ۱۷۵ مگاوات است. به نظر می‌رسد با افتتاح سد چم‌شیر، یک سد گتوند جدید به‌زودی به بهره‌برداری می‌رسد! چراکه ۷۰ درصد دریاچه روی سازند تبخیری گچساران واقع شده است. محدوده طرح به طور عمده از سازندهای گروه فارس به‌ویژه سازند تبخیری گچساران پوشیده شده است. محور سد روی آهک میشان قرار دارد. خواص تبخیری گچ/آنهیدریت موجب می‌شود که در تماس با آب، فشار و حرارت تغییر شکل بدهد. گچ و آنهیدریت منطقه نزدیک به سطح و در امتداد گسل‌ها و درز و ترک‌ها دچار انحلال شده و باعث ایجاد زمین کارستی که محدوده‌ای با غارها و حفره‌های زیرزمینی است، می‌شود. کارست می‌تواند سبب بروز مشکل در توانایی مخزن سد چم‌شیر در نگهداری آب شود. از آنجا که گچ مستعد انحلال سریع در هر مکانی است که گردش فعال آب‌های زیرزمینی در ارتباط با سولفات کلسیم است، ایجاد حفره‌های زیرزمینی و غار در آن معمول است. فروپاشی خودبه‌خودی غارهای جداگانه درنهایت منجر به فرونشست سطح زمین می‌شود. دو مشکل اساسی که به وجود می‌آیند، ناشی از ویژگی‌های حلالیت گچ و افزایش هیدراتاسیون آنهیدریت (برای تشکیل گچ) است. سولفات کلسیم در سراسر جهان یافت می‌شود؛ بنابراین این مشکلات در بسیاری از کشورها وجود دارد. گچ به‌عنوان پی سنگ با سنگ‌های دیگر تفاوت دارد؛ زیرا حفره‌ها تقریبا در هر عمقی در داخل توده گچی یافت می‌شوند که نتیجه مستقیم هوازدگی محلول در نزدیکی سطح و در امتداد ناپیوستگی یا ایجاد شبکه غارهای کارستی در تماس با آب‌های زیرزمینی هستند. هنگامی که تبخیر بیشتر از بارش جوی باشد، مواد معدنی رسوب می‌کنند. مشکل انحلال کانی‌های تبخیری به‌ویژه آنهیدریت در سازند گچساران در مخزن سد گتوند در ۲۵ کیلومتری شمال شهرستان شوشتر نیز وجود دارد. پس از پرشدن مخزن و ایجاد شیب هیدرولیکی، نشت آب از پایه‌های سد شروع می‌شود و افزایش می‌یابد. فرض بر این است که آب‌های زیرزمینی موجود در لایه‌های گچی از قبل با نمک اشباع شده است؛ بنابراین نفوذ جدید آب شیرین از مخزن، آب اشباع اولیه را به سمت خروجی جابه‌جا می‌کند. مهم است بدانیم که در کجا این جابه‌جایی به پایان می‌رسد؛ زیرا این نشان‌دهنده نقطه‌ای است که فرایند انحلال با جایگزینی آب اشباع‌نشده به پایان می‌رسد. با ساخت سد و تغییر در شیب هیدرولیکی، با پرشدن مخزن، مقداری آب از زیر سد خارج می‌شود. اگر سنگ‌شناسی زیر سد شامل گچ و مواد قابل انحلال باشد، انحلال و فرسایش افزایش می‌یابد. درصورتی‌که امکان کارستی‌شدن -ایجاد غارهای آهکی بر اثر انحلال- در زیر سد وجود داشته باشد، پیامد مستقیم آن ازبین‌رفتن بخش‌هایی از پی سنگ و افزایش دو نوع ریسک خواهد بود: افزایش نشت و کاهش ظرفیت باربری پی سنگ. انحلال سنگ‌های تبخیری که پایه‌های سد را تشکیل می‌دهند، مشکلات زیادی را در نقاط مختلف جهان ایجاد کرده است. ۱۰ مورد در ایالات متحده گزارش شده که در آن خسارت منجر به تعطیلی بهره‌برداری از سد شده است. مشکلات مشابهی از سد کامسکایا در روسیه، سد موصل در عراق و سد هوشیپو در چین نیز گزارش شده است. اسپانیا دارای بالاترین نسبت رخنمون‌های سطحی گچی در جهان است. به طور گسترده سازندهای زمین‌شناختی گچی ۲۱ درصد از مساحت اسپانیا را تشکیل می‌دهد. حدود ۹ درصد از این مساحت به سازندهای به‌شدت تبخیری مربوط است. انحلال باعث شکست‌های متعدد در زیرساخت‌های مهندسی مانند نشت از سدها، کانال‌ها و تونل‌ها و همچنین نشست در شریان‌های حیاتی خطی شامل جاده‌ها و راه‌آهن و... شده است. این امر عملیات و هزینه‌های تعمیر و نگهداری درخورتوجهی تحمیل می‌کند. در اسپانیا، بسیاری از سدهای ساخته‌شده بر روی طبقات حاوی گچ یا سایر سنگ‌های تبخیری نشت کرده‌اند. به دلیل وجود این سازندهای گچی، بسیاری از سدهای دیگر در مرحله امکان‌سنجی رد شده‌اند. از سوی دیگر آسیب‌های ناشی از نشت در کانال‌ها مرتبا در این کشور تعمیر می‌شود. سازمان‌دهی اولین کنفرانس بین‌المللی بررسی آثار عمومی ساخت بر روی ژیپس (گچ) در سال ۱۹۶۲ با هدف بررسی همین مشکلات حدود ۶۰ سال پیش انجام شد.

ادامه در صفحه ۴

حرف اول

## ام‌القرایی دیگر!؟

سیدصادق حقیقت

میثم لطیفی، رئیس سازمان اداری و استخدامی روز سه‌شنبه ششم مهر ۱۴۰۰ در مدرسه «حکمرانی شهید بهشتی» حاضر شد و در مراسم افتتاحیه سال تحصیلی جدید مقطع دکترا و دوره تربیت حکمرانان جوان چنین گفت: «برخلاف الگوی غربی که حکمرانی را مبتنی بر Nation-State تعریف می‌کند، علی‌المبنا ما با این مشکل داریم و مسئله ما امام و امت است. نظریه ما نظریه اخوت است، نظریه مسئولیت است، نظریه ما نظریه امر به معروف و نهی از منکر است. این نظریه‌ها یک پدیده اضافی نیست، نظریه مبنایی است، یک تکلیف است». در این خصوص، چند نکته وجود دارد:

۱- نسبت منافع ملی (بر اساس مرزهای دولت-ملت) و مسئولیت‌های فراملی از مباحث راهبردی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود که بدون تردید در حوزه صلاحیت رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور قرار نمی‌گیرد. نهادهایی که به این موضوع در ۴۳ سال عصر جمهوری اسلامی پرداخته‌اند، به شکلی با مباحث کلان و راهبردی کشور درگیر بوده‌اند. بعید است بتوان موضع ایشان را نظر شخصی قلمداد کرد؛ چراکه در آغاز کار دولت سیزدهم و پس از تصدی اجرائی ایشان ایراد شده است. جای بحث علمی در حوزه و دانشگاه است، نه در مناصب دولتی! البته، می‌توان حدس زد که چرا این سخن خطاب به دانش‌پژوهان «دوره تربیت حکمرانان جوان» ایراد شده است.

۲- نظریه‌پردازی در این حوزه علاوه بر تخصص علوم اجتماعی، اجتهاد فقهی را می‌طلبد که از دانش‌آموخته دانشگاه امام صادق (ع) بعید به نظر می‌رسد. آشنایی با مباحث علمی و حوزوی بحثی است و اجتهاد در این حوزه بحثی دیگر!

۳- حتی برخی متقدمین در مباحث فقه سیاسی نشان داده‌اند که این بحث مشکلات خاص خود را دارد: «هر انسانی باید آزاد و مستقل زندگی کند و حق هر انسان است که از سلطه و نفوذ و اسارت قدرت‌های تحمیلی آزاد شود و از ستم رهایی یابد. هرنوع کمک به جنبش‌ها و حرکت‌های آزادی‌بخش، نوعی همکاری ارزشمند برای برخورداری از حقوق انسانی است. به این دلیل حمایت از نهضت‌های رهایی‌بخش را نمی‌توان مداخله در امور داخلی کشور دیگر به حساب آورد». این ابهام هرچند در دهه اول انقلاب می‌توانست قابل‌توجیه باشد اما در این زمان توجیه‌پذیر نیست.

ادامه در صفحه ۲